

به نقل از ماهنامه کارگری، ارگان کارگری چریک‌های فدایی خلق ایران شماره ۱۲۴، پانزدهم اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳

کارگران در زیر خط فقر

این یک واقعیت انکار ناپذیر است که اکثریت بزرگی از کارگران کشور به دلیل سیاست‌های جمهوری اسلامی به عنوان سگ نگهبان بورژوازی دندان گرد ایران سال‌هاست که در زیر خط فقر زندگی می‌کنند. تنها نگاهی به مبلغ تعیین شده برای حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۴۰۳ و مقایسه آن با خط فقر موجود در سطح جامعه به روشنی نشان می‌دهد که چگونه طبقه حاکمه و رژیم حامی وی، اکثریت کارگران را در زیر خط فقر قرار داده‌اند. در شرایطی که به گزارش رسانه‌های خود جمهوری اسلامی، "محاسبات رسمی" در سال گذشته حاکی از آن بود که تا ابتدای سال جاری، سبد معیشت یک خانوار کارگری بین ۲۵ میلیون تا ۳۰ میلیون تومان بوده است که با توجه به رشد افسار گسیخته تورم بدون شک در سال جاری سبد هزینه‌های یک خانواده کارگری از این هم بیشتر خواهد بود. اما شورای عالی کار جمهوری اسلامی حداقل دستمزد را برای سال ۱۴۰۳ مبلغ ناچیز ۸ میلیون و ۲۰۸ هزار تومان برای یک ماه تعیین کرد. به این ترتیب کارگران شامل قانون کار با محاسبه مزایای حاشیه‌ای، عملاً چیزی حدود ۱۰ میلیون تومان در ماه دستمزد خواهند داشت. روشن است که چنین حقوقی ۳ برابر زیر خط فقر تعیین شده توسط خود دست‌اندرکاران رژیم می‌باشد. تازه باید توجه کرد که این حداقل دستمزد مربوط به کارگرانی می‌شود که مشمول قانون کار هستند و نه کارگران کارگاه‌های کوچک زیر ۵ کارگر و ده کارگر که در زمان دولت فریبکار خاتمی از شمول قانون کار خارج شدند. یعنی حدود نیمی از جمعیت کارگران ایران که در کارگاه‌های کوچک کار می‌کنند و عملاً قانون کار شامل‌شان نمی‌شود و عملاً دستمزدی کمتر از آنچه دولت به عنوان حداقل دستمزد تعیین کرده - که خودش چند بار زیر خط فقر است - می‌گیرند.

این چپاول عریان نیروی کار و شدت استثمار در جمهوری اسلامی در شرایطی است که مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی درباره وضعیت فقر در کشور اطلاع داد که "کالری مصرفی بیش از نیمی از مردم ایران در سال ۱۴۰۱ کمتر از استاندارد جهانی بوده است". به واقع وقتی در سال ۱۴۰۱ نیمی از جمعیت کشور کمتر از استانداردهای جهانی امکان تغذیه برای تأمین کالری مورد نیازشان را پیدا می‌کنند، نباید شک داشت که در سال جاری (۱۴۰۳) با توجه به گرانی همه مایحتاج کارگران نسبت به دو سال قبل، سفره آنها کوچکتر و کم رونق‌تر هم شده است یعنی کالری بسیار کمتری نسبت به سال ۱۴۰۱ نصیب‌شان شده و می‌شود. این امر به معنی محکوم کردن کارگران به گرسنگی و بیماری‌های بیشتر و در نتیجه مرگ تدریجی آنان است.

واقعیت فوق بیانگر آنند که سرمایه‌داران ایران و دولت حامی آنها که خود بزرگترین کارفرمای کشور می‌باشد حتی حاضر نیستند ارزش نیروی کار را در حدی که برای بازتولید آن لازم هست تعیین کرده و بپردازند. به همین دلیل هم کارگران شاغل مجبورند با اضافه کاری‌های دردناک و پیدا کردن شغل‌های دوم و سوم یعنی با مایه گذاشتن از جان خود، نیازهای خانواده‌هایشان را تأمین کنند. این وضع در شرایطی است که وجود یک ارتش بزرگ از بیکاران که خود حاصل بحران در سیستم سرمایه‌داری است خیال آنها را نسبت به کمبود نیروی کار راحت کرده و دست‌شان را در تشدید استثمار و چپاول دسترنج کارگران کاملاً باز گذاشته است. همین جمعیت بزرگ کارگران جویای کار در کنار دیکتاتوری حاکم - که امکان سازمانیابی به کارگران نمی‌دهد - است که قدرت چانه‌زنی کارگران برای دستیابی به یک شرایط قابل تحمل انسانی در محیط کار و یا حتی حفظ حقوق ناچیز موجود را محدود ساخته و توازن قوا را کاملاً به ضرر کارگران تغییر داده است.

شرایط و وضعیت موجود یعنی شدت استثمار اعمال شده بر کارگران و در همان حال مشاهده سفره خالی آنها خشم و نفرت‌شان را فزونی بخشیده و به مبارزات و اعتراضات کارگری ابعاد هر چه وسیع‌تری بخشیده است. اما با توجه به دیکتاتوری اعمال شده از سوی جمهوری اسلامی، این مبارزات که در سراسر کشور جریان دارد قادر نشده‌اند به نیاز حیاتی کارگران مبنی بر سازمان‌یابی صفوف این طبقه پاسخ راهگشا بدهند. به همین دلیل هم هست که خود واقعیات این پرسش را در مقابل کارگران قرار می‌دهد که چه باید بکنند تا قادر شوند در شرایط دیکتاتوری لجام گسیخته‌ای که جز زبان زور نمی‌شناسد امکان ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری و یک سازمان سیاسی انقلابی مدافع منافع طبقه کارگر و در پیوند با این طبقه را پیدا نمایند!

شکی نیست که رهائی کارگران از وضعیت فلاکت‌بار کنونی تنها با نابودی جمهوری اسلامی و سلطه سرمایه‌داران زالو صفت امکان پذیر می‌باشد. اما برای رسیدن به این هدف در شرایطی که دیکتاتوری حاکم جز با زبان زور و با اعمال خشونت ضد انقلابی با کارگران و دیگر توده‌های تحت ستم ایران سخن نمی‌گوید، راهی که در مقابل کارگران قرار می‌گیرد اعمال قهر انقلابی علیه این دیکتاتوری و نظام سرمایه‌داری ظالمانه حاکم می‌باشد. اعمال قهر انقلابی توسط کارگران پیشرو و روشنفکران انقلابی قادر خواهد بود در سد دیکتاتوری حاکم شکاف ایجاد نموده و با سازماندهی سیاسی-نظامی توده‌های ستمدیده توازن قوای موجود بین خلق و ضد خلق را به نفع ستمدیدگان بر هم بزنند. در چنین اوضاعی چنان شرایط مبارزاتی‌ای بر جامعه حاکم خواهد شد که کارگران امکان سازمان‌یابی خواهند داشت. برای رسیدن به این موقعیت در شرایط کنونی لازم است کارگران پیشرو و روشنفکران انقلابی دست در دست هم با ایجاد هسته‌های سیاسی نظامی مخفی، جمهوری اسلامی را آماج حملات خود قرار دهند. تنها با گسترش تدریجی و هدفمند مبارزه است که کارگران امکان می‌یابند با تضعیف دیکتاتوری شرایط را برای متشکل شدن و تغییر توازن قوای کنونی فراهم کرده و با رهبری مبارزه توده‌های مسلح سازماندهی شده، راه پیروزی یعنی نابودی نظم ظالمانه حاکم و دیکتاتوری ذاتی آن را هموار نمایند.